

پرسیدن چرا انقدر بچه ی کوچیکمون به "موبایل" علاقه داره و وابسته هست؟ چرا کلا شده "موبایل" باز؟

گفتم چون خودتون مدام گوشی دستتون هست، ولی چون "عادت" کردید، متوجه نیستید که چقدر با گوشی مانوس هستید، کودکان هم تا حدود ۷ سالگی فقط "ضبط" میکنن و پخش میکنن، بدون اینکه بدونن براشون خوبه یا نه... اگر همینطور که مدام گوشی دستتون هست، در روز چندین مرتبه "کتاب" تو دستاتون بود، حتما کودکانتون "کتاب باز" میشدن...

پرسیدن چرا "حوصله ی کتاب خوندن" نداریم، یا اگر کتاب هم میخریم تا آخرش نمیخوانیم معمولا؟

گفتم چون "کتاب خون" نشدید، ادای اهل مطالعه رو در میارید، آدمی ادای هر چی و در بیاره، شاید از بیرون مورد تمجید قرار بگیره ولی از "درون" هیچ وجد و شَعَف و کیفی نخواهد کرد...

پرسیدن چطور "کتاب خون" بشیم؟

گفتم اول راه برای اینکه صرفا کتاب خون بشید نرید کتابی رو بخرید! به کتابهایی که دیگران میخوانن توجه نکنید! توصیه ها، معرفی ها و تبلیغات رو جدی نگیرید!... اول از همه "مهمترین و محبوب ترین" موضوع زندگیتون رو پیدا کنید، مثلا "فوتبال"، مثلا "انعطاف"، مثلا "رهایی از حسادت"، مثلا "خوش کلام شدن"، مثلا "ازدواج" یا اشخاص محبوبتون رو، مثلا "خدا"، مثلا "اهل بیت"، مثلا "شهدا"، مثلا "حکما و فلاسفه"...

بعد برید انتشارات های قوی و پُر کار، در مورد اون موضوع کتاب بخرید و مطالعه کنید، دوسه باری که در مورد دوسه موضوع مهم زندگیتون به کتاب رجوع کنید، اونوقت دیگه بخواید هم نمیتونید کتاب رو بزارید کنار 😊